

چگونگی وقف اشیاء بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و وارد شدن آنها به موزه ملی ایران

لیلا خاموشی*

مجموعه آثار بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی یکی از بزرگ‌ترین و نفیس‌ترین مجموعه‌های دنیاست. شاهان صفوی به دلیل ارادتی که به بقعه متبرکه شیخ صفی‌الدین اردبیلی داشتند همیشه توجه ویژه‌ای به این آستان می‌کردند. کتب قدیمی، سفرنامه‌ها و شواهد تاریخی همگی بیانگر وجود آثار بسیار غنی و گنجی گرانبها و بی‌نظیر در این مجموعه هستند که شامل نسخ خطی، کتب علمی و ادبی، قرآن، سند، ظروف چینی و فلزی، فرش و دیگر آثار هنری است که همگی وقف این مکان مقدس شده‌اند.



شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۶۵۰-۷۳۰ق) پسر سید امین جبرائیل، یکی از عرفا و مشایخ دوران اولجاتیو و ابوسعید ایلخانی بود (دیباچ، ۱۳۲۸: ۶۱). حیات این مرد عارف و بزرگ همزمان با مردان بزرگ فرهنگ و ادب ایران زمین نظیر مولانا جلال‌الدین بلخی، سعدی شیرازی و شیخ محمود شبستری است.

شیخ صفی‌الدین مریدان و پیروان بسیار زیادی داشت. آنها در مکانی به نام خانقاه گرد هم آمده و از دانش و فضایل شیخ بهره‌مند می‌شدند. آن مکان هم اکنون به بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی معروف است که آرامگاه شیخ و تعدادی از اهل خاندان می‌باشد.

ساختمان بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی یکی از زیباترین بناهای دوران اسلامی است که از حیث معماری و کاشی‌کاری از شاهکارهای قرن هشتم هجری و بعد از آن محسوب می‌شود.

بخش اصلی بنا توسط جانشین و فرزند وی یعنی شیخ صدرالدین موسی احداث شد و ساخت آن قریب به ۱۰ سال طول کشید. این بنا شامل مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی با گنبد معروف الله الله و قسمتی از حرم خانه و ساختمان‌های اطراف است. در بالای مقبره شیخ صفی، قندیل‌هایی از جنس طلا و نقره به سقف آویزان بود و در اطراف آن شمعدان‌های بلند زرین به چشم می‌خورد (حکیم، ۵۰: ۱۳۶۶). در زمان دیگر شاهان صفوی الحاقاتی به این بنا افزوده شد. یکی از بخش‌های مهم این مجموعه ساختمان چینی‌خانه است که در ابتدا به عنوان میدان دراویش مورد استفاده قرار گرفته است.

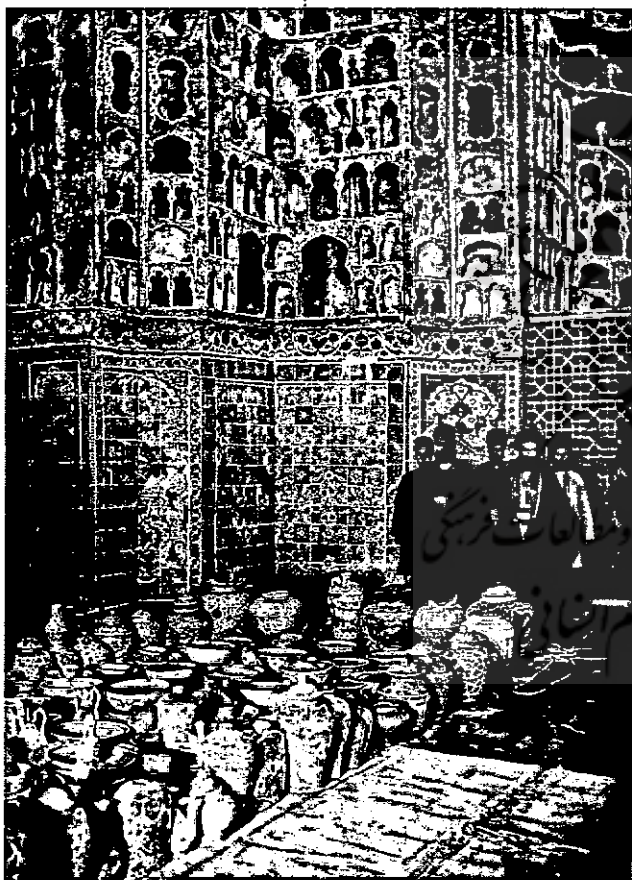
شاه عباس بزرگ به دلیل علاقه و ارادتی که به جد بزرگوارش شیخ صفی داشت، ظروف چینی بسیار زیاد و ارزشمندی را که جمع آوری کرده بود، همه را وقف مقبره کرد. برای نگهداری این مجموعه نفیس بخشی را به ساختمان بقعه الحاق نمود که به چینی‌خانه معروف شد.

به هنگام وقف چینی‌ها به این مجموعه، فضای داخلی بنا را به منظور نگهداری این اشیاء تغییر دادند و در زمان سلطنت شاه عباس دوم نیز پوشش داخلی بنا ایجاد شد.

چینی‌خانه بنایی هشت‌ضلعی است که در قسمت شرقی قندیل‌خانه یا رواق اصلی قرار گرفته است. سقف این بنا به شکل گنبد بزرگ و مرتفعی است که با طاق‌نماها و کاشی‌های خشتی رنگارنگ و گچ‌بری‌های بی‌نظیر و مقرنس‌کاری‌های زیبا تزئین شده است. در بالای مقرنس‌ها و ایوانها، تعداد بسیار زیادی طاقچه به اشکال و ابعاد مختلف

جهت قرار دادن ظروف چینی در میان آنها ایجاد شده است. این گچ‌بری‌ها به صورت مجوف و توخالی بوده که با ظرافت خاصی رنگ‌آمیزی و طلاکاری شده‌اند.

برخی طاقچه‌ها به شکل ظروف گردن بلند هستند و قسمت جلو طاقچه‌ها از جنس چوب ساخته شده است. الثاریوس در سفرنامه خود می‌نویسد: «در طاق‌نماهای این محوطه چند صد ظروف چینی به چشم می‌خورد که برخی از آنها ظرفیت ده‌ها قوری آب داشتند. پادشاهان و بزرگان در صورت اقامت داشتن در آنجا از این ظروف برای خوردن غذا استفاده می‌کردند. بقعه شیخ یک محل

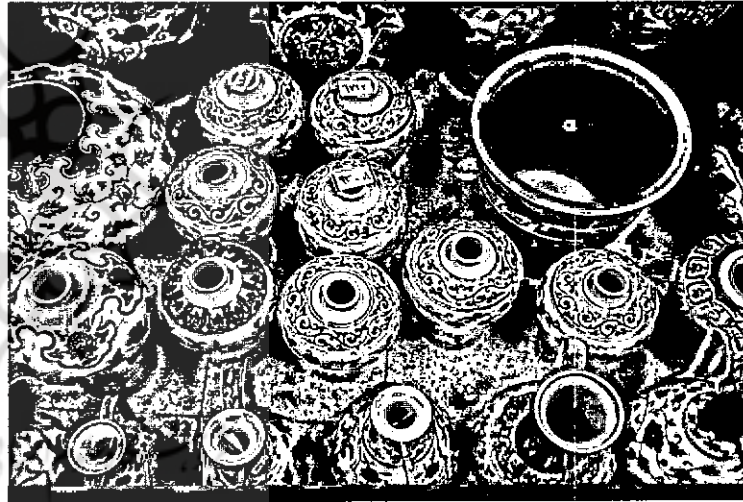


مقدس و موقوفه بود لذا استفاده از ظروف طلا و نقره مجاز نبود لذا غذاهای تبرکی را در این ظروف می‌ریختند.» (التاریوس، ۱۳۰: ۱۳۶۳). تزیینات داخلی این بنا به تقلید از شیوه گچبری عمارت عالی قاپو در اصفهان و چه بسیار زیباتر از آن ساخته شده است. در حال حاضر، فضای داخلی چینی‌خانه که تعدادی از چینی‌های این مجموعه در آن نگهداری می‌شود، به عنوان موزه مورد استفاده قرار گرفته است.

چگونگی وقف اشیا بر بقعه شیخ صفی و وارد شدن آنها به موزه ملی ایران حکومت صفویه در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) به اوج عظمت و شکوه خود رسید. وی از جانب مادر، ده پشت پادشاهی کرده‌اند و نسب او بیست و یک پشت به حضرت امام زین العابدین(ع) و نسب پدری او نیز با سی پشت به امام موسی کاظم می‌رسد. (منجم یزدی، ۱۳۶۶:۷)

شاه عباس بعد از باز پس گرفتن آذربایجان از حکومت عثمانی و برقرار کردن صلح و آرامش در نواحی شرقی و غربی کشور، شروع به آباد کردن و مرمت بقاع متبرکه نمود. وی همچنین بخش زیادی از املاک و مستغلات خود را وقف چهارده معصوم کرد. کتب قرآنی و عربی را به آستان قدس رضوی در مشهد و مجموعه کتاب‌های فارسی، تاریخی، ادبی و دیوان اشعار و همچنین تعداد زیادی ظروف چینی، فلزی و پارچه را وقف مقبره جد خویش نمود.^۱

مجموعه چینی‌های بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جزو بزرگترین و منحصر به فردترین مجموعه‌های دنیا محسوب می‌شود. این مجموعه در واقع سه قرن تداوم چینی‌سازی در چین را نشان می‌دهد که شامل چینی‌های آبی و سفید، سفید یکرنگ، لاجوردی یکرنگ، زرد یکرنگ، رنگارنگ، قهوه‌ای و سلاذن هستند. در پشت بعضی از ظروف چینی دوره مینگ



مارک چینی وجود دارد که اغلب نام امپراتور است.^۲ پس از انقراض سلسله صفویه و انقلاب‌ها و درگیریهای مختلف، چینی‌خانه اردبیل همانند دیگر نفایس ایران در معرض تاراج و غارت قرار گرفت. مدارک دقیق و مستندی که ما را به موجودی اصلی بقعه در زمان صفویه هدایت کند در دست نیست ولی کتب قدیمی و سفرنامه‌ها همگی از آثار موجود در بقعه به عنوان گنجینه‌های گرانبها و بسیار غنی یاد کرده‌اند. در زمان شاه طهماسب ثانی بخش زیادی از گنجینه شیخ صفی صرف هزینه قشون شد و در زمان نادر شاه افشار نیز قسمتی از اموال به فروش رفته و صرف لشکرکشی شد. در زمان فتحعلی شاه قاجار بخش دیگری از این اموال به عنوان غنیمت جنگی توسط روسها غارت شد. (جامعی، ۱۸: ۱۳۷۴) این آثار در حال حاضر در موزه ارمتاژ لنینگراد نگهداری می‌شوند.

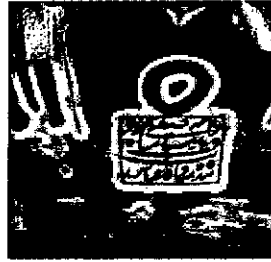
در سال ۱۱۷۲ محمدقاسم بیگ صفوی متولی بزرگ از بقعه بازدید کرده و موجودی بقعه را در طوماری به ابعاد ۱۲ × ۷/۵۷ متر که ۱۶ قطعه بود ثبت کرد. این سند ۶۱ سال قبل از عهدنامه ترکمانچای و ۶۰ سال قبل از چپاول این گنجینه توسط ژنرال پاسکویچ تنظیم شده است. به طور اجمال ۹۵۷ عدد چینی‌آلات در این طومار ذکر شده است (ترابی طباطبایی، ۷: ۱۳۵۵). این طومار



به خط ملا محمدطاهر مستوفی نوشته شده است.

محل الصاق قطعات با لفظ «صح الوصل» و با مهر کاتب، با سجع «سگ آستان علی طاهر است» مهور شده است. علاوه بر آن مهر متولی بزرگ بقعه نیز در ذیل آن با سجع «افوض امری الی الله عبده محمدقاسم صفوی» آمده است. در پشت طومار مهر دیگری با سجع «ف ش / ی ع» «شفیع» دیده می‌شود. این سند علاوه بر ارزش فوق‌العاده خود از لحاظ تعیین مشخصات اوراق پراکنده و جزوات قرآن‌های نفیس و دیگر آثار باقی مانده در بقعه حائز اهمیت است.^۱ (گنجینه شیخ صفی، ۱۳۴۸:۴).

جلال‌الدین منجم یزدی از تاریخ‌نگاران عصر صفویه در کتاب خود به نام «تاریخ عباسی» سیاه‌های بر این آثار نوشته و تعداد ظروف چینی را ۱۲۲۱ عدد ذکر کرده است که حدود ۳۰۰ یا ۴۰۰ عدد از این ظروف را در طاقچه‌های چینی‌خانه به نمایش گذاشتند. او می‌گوید، به امر شاه عباس، مولانا محمدحسین حکاک خراسانی که یکی از حکاکان و خوشنویسان نامی زمان بود تمام آثار موقوفی را ثبت کرد و وقف‌نامه‌ای برای آن نوشت (منجم یزدی، ۴۲۴: ۱۳۶۶). اثر مهر وقف شاه عباس بر روی ظروف با سجع «بنده شاه ولایت عباس وقف بر آستان شاه صفی نمود» حک شده است. لازم به ذکر است که اثر مهر وقف شاه عباس بر روی اشیاء، یکی از دلایلی است که ارزش فرهنگی و تاریخی این مجموعه را دو چندان کرده است و در واقع تأییدی بر اصل بودن این آثار گذاشته است.



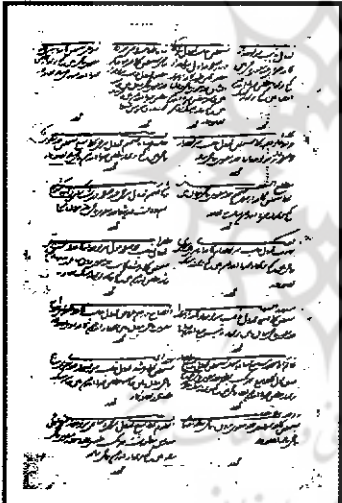
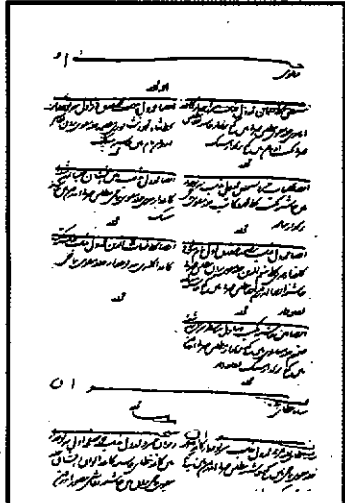
علاوه بر آسیب‌ها و غارت‌های داخلی، تعداد زیادی از موقوفات بقعه، آنچه که از دستبرد زمانه و حملات و غارتها و سرقت‌ها باقی مانده بود، تا مدت‌ها در کف چینی‌خانه به صورت ترک خورده و شکسته نگهداری می‌شدند. تا اینکه در سال ۱۳۰۶ خورشیدی به دستور سید عبدالرحیم خلخالی از اشیای باقی‌مانده صورت‌برداری شد. (جامعی، ۱۱۸: ۱۳۷۴)

در سال ۱۳۱۴ نیز این آثار توسط کارشناسان و نمایندگانی از طرف دولت بررسی و صورت جلسه شد. سپس اشیاء را در صندوق‌های مخصوصی قرار دادند و در صندوق‌ها را پلمپ کرده و به تهران منتقل کردند.^۵

در سال ۱۲۹۵ یکی از اتاق‌های بزرگ عمارت قدیم وزارت معارف در بخش شمالی مدرسه دارالفنون به نام موزه ملی یا موزه معارف در نظر گرفته شد. در سال ۱۲۹۷ دولت وقت ایران اداره عتیقات را در همان عمارت تأسیس کرد. (تهرانی مقدم، ۲: ۱۳۶۹).

در سال ۱۳۱۴ اشیای بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی که صورت‌برداری شده بود را به موزه ایران باستان آوردند و بعد از احداث ساختمان موزه ملی به این مکان انتقال داده شد.

اما این کل اشیای نبود چون در بهمن سال ۱۳۵۳ بخش دیگری از این مجموعه به موزه ملی انتقال یافت. خانم زهرا جعفر محمدی، امین اموال گنجینه مرکزی موزه ملی ایران، به نقل از آقای اسفندیاری امین، امین اموال خزانه عتیقات که مأمور شده بودند این اشیاء را از بقعه به موزه ایران



باستان انتقال دهند در این باره می‌گوید: «مابقی ایشیا در دو صندوق کوچک و بزرگ قرار داشتند؛ صندوق کوچک در زیر یکی از راه پله‌های بقعه که جلو آن را با دیوار مسدود کرده بودند قرار داشته. در داخل این صندوق تعدادی چینی شکسته و چند ظرف سالم، همچنین اوراق پاره‌شده نسخ خطی به چشم می‌خورد. صندوق بزرگتر در بخش دیگری از بقعه قرار داشت که محتوای داخل آن تعداد زیادی سند خرج و تعدادی هم ظروف چینی بود». بعد از انتقال به موزه ایران باستان، این ایشیا به خانم جعفر محمدی تحویل داده شد و ایشان نیز در سال ۱۳۷۷ آن را به بخش اسلامی تحویل دادند.^۲

هرمان نیز که در سال ۱۹۷۰م از این مکان بازدید کرده، در مقاله خود آورده است: «در ۲۳ آگوست سال ۱۹۷۰م با آقای محمدی از چینی‌خانه دیدن کردم. صندوقی در آنجا بود که من از آقای محمدی درخواست کردم در صندوق را باز کند.

حدود ۵۰۰ سند سالم و ناقص به زبان فارسی و عربی در داخل آن بود. تعداد قابل توجهی از آنها مربوط به قرن هشتم هجری بودند. علاوه بر این اسناد یکسری کتاب‌های ورق‌ورق شده و ناقص نیز وجود داشت.»^۳ بنابراین او نیز از این صندوق بازدید کرده است اما معلوم نیست که چرا محتویات این صندوق همراه با اشیای قبلی به موزه ایران باستان انتقال نیافته بود؟!

در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ کمدهایی محکم در یکی از مخازن گنجینه دوران اسلامی جهت نگهداری چینی‌ها تعبیه شدند و در همین زمان کار ساماندهی و طبقه‌بندی آنها نیز آغاز شد.^۴ (تصاویر ۷ و ۸) این ظروف بر اساس نوع، دوره تاریخی، فرم و نقوش آنها طبقه‌بندی شده است.^۵

در حال حاضر علاوه بر موزه ملی ایران که بیشترین حجم این اشیای در آنجا نگهداری می‌شود، بخشی از آنها نیز در موزه‌های داخل و خارج از کشور پراکنده‌اند.

تعدادی از آثار این مجموعه در موزه چینی‌خانه بقعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل، موزه تبریز و موزه آستان قدس رضوی می‌باشد.^۶ در موزه‌های بزرگ دنیا از جمله آمستردام، رم، لندن و لتینگراد نیز زینت‌بخش و پرتین‌های آنهاست.



پی‌نوشت‌ها

* از جناب آقای محمد رضا مهراندیش رئیس کل موزه ملی ایران و سرکار خانم فریده شیر خدایی مسؤول کتابخانه موزه ملی ایران کمال تشکر و امتنان را دارم.

۱. در کف قندیل‌خانه قالی معروف اردبیل پهن بود که بدون شک یکی از باارزشترین و نفیس‌ترین فرش‌های جهان است که زمان شاه تهماسب اول به سال ۹۶۶ق بافته شد. این قالی کار استاد مقصود کاشانی و در تبریز بافته شده و تا سال ۱۳۱۲ در کف قندیل‌خانه قرار داشت اما در همان سال به علت عدم وجود اعتبار فرش مذکور به خاطر تعمیرات بقعه فروخته شد و از طریق شرکت وینسنت رابینسن انگلیسی، از شرکت ریگلر تبریز خریداری و هم اکنون در موزه آلبرت هال لندن نگهداری می‌شود: (جامعی، ۱۱۷: ۱۳۷۴).

۲. شرح موقوفات و مستغلات و آثار غیر منقول بقعه در کتاب «صریح الملک» به طور مشروح آمده است.

۳. خانم گلمبک در مجله ایران، سال ۲۰۰۳ مقاله‌ای با عنوان: The Safavid Ceramic Industry at Kirman, by Lisa

Golombek نوشته است که برخی از مارک‌های چینی را هم معرفی کرده است.

۴. این طومار در سال ۱۳۴۸ خریداری و به موزه آذربایجان اهدا شد و سپس به همت آقای سید یونسی، رئیس کتابخانه ملی تبریز به صورت کتابچه‌ای قابل استفاده برای عموم چاپ شد.

۵. کمی صورت‌جلسه این اشیا در موزه ملی ایران موجود است.

۶. از سرکار خانم زهرا جعفر محمدی، امین اموال موزه ملی ایران که اطلاعات بسیار خوبی در باره چگونگی انتقال اشیای بقعه در سال ۱۳۵۳ در اختیار اینجانب قرار دادند بسیار سپاسگزارم.

۷. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: **Urkundefunde in Azarbaygan in Archaologi** با تشکر از آقای محمد کرمی به خاطر ترجمه متن آلمانی.

۸. از سرکار خانم دکتر زهره روح‌فر به خاطر راهنمایی‌های علمی و جناب آقای شهاب شهیری امین اموال بخش اسلامی به خاطر همکاری صمیمانه و همیشگی ایشان کمال تشکر و قدردانی را دارم.

۹. نتایج مطالعه، پژوهش و معرفی چینی‌های بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در آینده توسط اینجانب به صورت یک کاتالوگ جامع در موزه ملی ایران به چاپ خواهد رسید.

۱۰. بر اساس اسناد موجود در موزه ملی ایران، در سال ۱۳۲۷ تعدادی از چینی‌های بقعه، برای نمایشگاه به موزه چهل ستون اصفهان انتقال یافت که عودت داده شد. در سال ۱۳۴۸ نیز تعداد ۲۰ قلم چینی به موزه تالار اشرف اصفهان منتقل شد.

منابع فارسی:

۱. منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، انتشارات وحید.
۲. صفری، بابا، ۱۳۵۳، اردبیل در گذر تاریخ، انتشارات بهمن، ج ۲.
۳. ترکمان، اسکندر بیگ، ۱۳۳۴، تاریخ عالم‌آرای عباسی، انتشارات امیر کبیر.
۴. ترابی طباطبایی، سید جمال، ۱۳۵۵، آثار باستانی آذربایجان (آثار و ابنیه تاریخی شهرستانهای اردبیل، ارسباران، خلخال، سراب، مشکین شهر، انتشارات آثار ملی، ج ۲).
۵. دیباج، اسماعیل، ۱۳۲۸، تاریخچه فرهنگ شهرستان اردبیل و ابنیه تاریخی آن، انتشارات تبریز.
۶. جامعی، بیوک، ۱۳۷۴، نگاهی به ابنیه تاریخی اردبیل، انتشارات علمی فرهنگی.
۷. تهرانی مقدم، احمد؛ ۱۳۶۹، نگاهی به موزه ملی ایران، مجله موزه‌ها، شماره ۹-۱۰.
۸. گنجینه شیخ صفی، ۱۳۴۸، نشریه شماره ۱۶، کتابخانه ملی تبریز.
۹. حکیم، محمدتقی خان؛ ۱۳۶۶، گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، انتشارات زرین.
۱۰. سفرنامه آدام التاریوس، (بخش ایران)، ۱۳۶۳، ترجمه احمد بهیور، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

منابع انگلیسی:

۱. Pope, A. J. Chinese Porcelains from The Ardebil Shrine, Washington, ۱۹۵۶.
۲. Herrmann. Urkund-Funde in Azarbaygan in Archaologisch Mitteilungen Aus Iran, Berlin ۱۹۷۱.
۳. Sarre, Friedrich, Ardabil, Berlin, ۱۹۲۴.